

یکشنبه • ۲۳ آذر ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۸۶ • ۷

شرق

روزنامه

اقتصاد

 چگونه کتاب دیگران را به نام خودمان جعل کنیم	 صفحه ۸
 نکته‌هایی درباره ترجمه فارسی «استتیک و ناخرسندی هایش»	 صفحه ۹
 خرج بی‌پروای دارا	 صفحه ۱۰

نگاه	
 فرز و ظهور «نومانکلاتور» ها در ایران	
نومانکلاتور - واژه‌ای روسی به معنی «فهرست افراد خاص» یا طبقه جدید که میلیون جیلاس، تورزیسین برجسته مارکسیست در کتاب	

معروفش به نام «طبقه جدید» و سپس میکایل و سیسک کتاب «نومانکلاتور» را درباره همین افراد منتشر کرد.
براساس مصوبات کنگره نهم حزب کمونیست (۱۹۲۰) مقرر شده بود کمیته‌هایی حزبی برای افزایش اقتدار و به‌کارگیری افراد خودی همه ساله فهرست‌هایی را شامل افراد واجد شرایط پست‌های مدیریتی و نظامی تهیه و به رهبران ارایه دهند که این فهرست همان «نومانکلاتورها» بودند. نومانکلاتورها به معنی افرادی سازمان‌یافته در دارودسته‌های متفاوت با یک ویژگی خاص که همانا قبضه قدرت اقتدارگرایانه با مالکیت انحصاری نه‌تنها بر حوزه صنعت و خدمات بلکه بر تمامی مواهب و منابع طبیعی و غیرطبیعی است.
اینان که همگی از کادرهای بالا و رهبران حزب و مدیران بنگاه‌های اقتصادی بودند به‌ویژه از سال‌های ۱۹۳۰ از دستمزدهای بالا، استراحتگاه‌های ییلاقی (داجاد)، امتیازات غیرنقدی (جستی)، خرید از فروشگاه‌های ویژه و خدمات درمانی خاص برخوردار شدند.
درواقع جانشینان همین‌ها بودند که بعدها در فرآیند سقوط اتحاد جماهیر شوروی دست به غارت اموال دولت و مردم تحت عنوان کمونیسم‌زدایی و خصوصی‌سازی زدند به‌طوری که جوانکی ۲۸ساله به‌نام «خودروکوفسکی (از بهبران بخش جوانان حزب کمونیست و بخش مافیای جانیی مالی روسیه) با تملک منابع نفتی روسیه، تراست نفتی میلیاردری به نام «یوکاس» را به‌وجود آورد که در تاریخ جهان چنین سرعتی بی‌نظیر بود- و مقامات کنید با جوانک‌هایی که در دوره دولت پاک مثل ب، ز و… ظهور کردند- بررسی ظهور طبقه جدید در ایران نشان می‌دهد عدای با نفوذ در انقلاب به‌همراهی عداای از انقلابیون، از سال‌های جنگ از همان شب‌های بمباران و شهادت جوانان کشور، با احتکار چراغ‌قوه و با استفاده از رانت‌های دولتی اقدام به واردات کالا و صادرات عتیقه‌جات، فرش، کالاهای لوکس صادراتی …- شروع به زرانندوزی کردند و از فردای پایان جنگ موضوع تقسیم مجدد ثروت در محافل اینان مطرح بوده است. تشابه زیادی در فرآیند ظهور نوکیسه‌کان ایرانی و نومانکلاتورهای روسی وجود داشته که نقطه مشترک آنان سرمایه‌داری دولتی همراه با اقتدارگرایی، چنگ‌داختن به منابع دولتی از طریق نفت، کنترل گذرگاه‌های ورود و خروج کالا و محصولات چه از طریق «گمرک» و چه از طریق اسکله‌های خاص بوده که تاسیس مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه صنعتی- تجاری سرعت این فرآیند را به‌مراتب افزایش داد.
اینان هوشمندانه قدرت سیاسی -اقتصادی را از طریق «فهرست خودی‌ها» به‌کار گرفتند.
موروی بر خاطرات مسوولان ارشد و نوشته‌های رسانه‌های جمعی از سال‌های ۱۳۶۵ نشان از وجود چنین علایمی دارد.
دستیابی به معاملات سواپ نفت، قاچاق نفت، گزولین و قیر که از طریق افراد مرتبط با نهادهای خاص صورت گرفته و با این منابع گراف می‌توانستند افراد ذی‌مدخل کشوری و محلی را جذب و یارگیری و فرآیند دارودسته‌سازی (Clientelime) را تسریع کنند.
این فرآیند به‌ویژه پس از پایان دوره جنگ و شروع دوره سازندگی که بحث توسعه اقتصادی در اولویت محض قرار گرفته در پشت شعار «فساد روغن چرخ توسعه است» و همچنین خودکفایی مالی بود-جسه‌ای وزارتخانه‌ها و نهادهای خاص به‌عنوان «شاه کلید» نومانکلاتورها برای دستیابی به تمامی منابع اقتصادی شد، به‌طوری که نهادهایی که اساسا در هیچ کشور پیشرفته‌ای به‌دلیل خاصی وارد حوزه کسب‌وکار نمی‌شوند، در ایران به کسب‌وکار مشغول شدند که همین امر باعث تسریع در زادوولد نومانکلاتورها (آقازاده- عروس خانم) شد به‌طوری که بخش قابل‌توجهی از نومانکلاتورهای ایرانی در ساخت‌وسارهای مناطق خاصی از کشور، خریدوفروش تراکم بسیار، تاسیس شبکه‌های آموزش غیرعالی و کاملا انفاعلی، داروخانه‌های تک‌نسخه‌ای، تحصیلات ترددی و مکاتبه‌ای، ماشین‌های وارداتی لوکس (حتی از طریق سرفت از مناطق در محدوده جنگ آمریکا و عراق و جنگ کویت)، کنترل بازار ارز، طلا، سهام و… وارد شدند.
تاثیر تحولات زرانندوزی به‌تدریج در رفتار و طرز لباس‌پوشیدن نومانکلاتورها هیددا شد و پیکان‌سواران دیروز، حالا دیگر با انتقال محل سکونت به مناطق شمال‌شهر و سوارشدن بر ماشین‌های لوکس با راننده و محافظ و اعزام فرزندان (آقازاده‌ها و عروس‌خانم‌ها) به خارج کشور به هر طریق و دست‌یازیدن به مدارک دانشگاهی که بعضا وجود خارجی هم نداشتند و استفاده از عناوین دکتر و مهندس به‌جای حاج‌آقا شتاب گرفت.
از دیگر علایم این دوران تاسیس شانزده ده‌ها بانک، موسسه مالی- اعتباری در سبک‌های مذهبی و با استفاده از اسامی قابل‌احترام جامعه مذهبی بود که با ظهور دولت پاک بر بستر دولت اصلاحات، فرزندان نومانکلاتورهای قدیمی با نسل نوبی که مدعی سهم‌بری کمتری از غنایم شده بودند با شدت در فرآیند خصولتی‌مردن اقتصاد و چنگ‌اندازی بر همه امکانات سیاسی- اقتصادی تلاش کردند یک انحصار ویژه در سایه «امنیت قضایی» به وجود آورند که حاصل آن ظهور افرادی با شاسنامه جمشید، شهرام، بابک، به‌جای اسامی سنتی بود.
گسترش شبکه‌های تجاری، صرافیه، پاساژها، سام‌سنتر و هایپراستار و برندهای بین‌المللی با وجود تحریم، برگزاری مجالس غزا و عروسی در باغ‌ها و سالن‌های تازه‌تاسیس، همه‌همه موبید تغییرات اساسی رفتار اقتصادی نومانکلاتورها شد به‌طوری که حتی عداای از مداحان سنتی نیز با تکنیک‌های جدید پشت جبهه و بعضا نقش سخنگوی رسانه‌ای آنان را عهده‌دار شدند.

گذر

 گسترش مناسبات غلط در دولت دهم	
 حسین راغفر اقتصاددان	

بعد از جنگ‌تحمیلی شاهد یک‌تغییر رویکرد و تغییر نگاه به ارزش‌های زندگی هستیم. به خاطر دارم مقامات وقت از ایجاد یک زندگی متفاوت و یک‌زندگی همراه با رفاه بیشتر و سطح درآمد بالاتر صحبت می‌کردند. اما این زمانی تحقق خواهد یافت که فرصت‌های هدف درآمد برای تمام اقشار جامعه ایجاد شود. به همین دلیل و به‌علت شکل‌نگرفتن فرصت برابر ی‌بینیم که سطح کسندره‌ای از فساد در جامعه ایجاد می‌شود. جامعه به‌گونه‌ای تغییر می‌یابد که هدف‌گذاری مالی و کسب زندگی مرفه به‌عنوان هدف و نشانه موفقیت در جامعه تلقی می‌شود. آدم‌های موفق افرادی هستند که ثروت بیشتری داشته باشند. اما دلیل شکل‌گیری چنین طبقه‌ای در اقتصاد ایران چیست؟ آنچه می‌توان به عنوان اصلی‌ترین علت نام برد، دزدینود و ارتباطاتی است که در این سال‌ها بین افراد خاص ایجاد شد. این ارتباطات دسترسی به اعتبارات بانکی را تسهیل کرد و به‌تدریج اینها را دارای زندگی‌های کاملا متفاوتی کرد. درآمدهای بزرگ عمدتا نشأت‌گرفته از خلاقیت آدم‌ها و تلاش آنها نبود. امروز طبقه قدرت و دولت تشکیل‌دهنده اصلی این گروه است. نوعا از ناحیه همین گروه از افرادی که درآمدهای یک‌کسبه و یادآورده بسیار بزرگی کسب کردند از اعمال نفوذ در قوانین و مقررات و نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها ابایی نداشتند و از این محل بر درآمد خود افزودند. افرادی که مطلع بودند قیمت دلار قرار است سه‌برابر شود با ارتباطات و دسترسی‌ای که به منابع بانکی داشتند؛ از این اعتبارات استفاده کرده و با خرید دلار یک‌شبه اصل صداقت و راستگویی، مبارزه با فساد … نیز می‌تواند در کاهش نفوذ ارزش‌های اخلاقی در جامعه موثر باشد. از سوی دیگر ابزار ارتباطی گسترده از قبیل ماهواره، فضای مجازی مانند اینترننت، شبکه‌های اجتماعی و… به همراه کاهش نفوذ رسانه ملی موجب تاثیرپذیری بیشتر نسل جوان از نظام‌های ارزشی مغایر ارزش‌های داخلی شده است. بنابراین این برندها در ایران نفوذ یافند و به همین دلیل هم نوع نگاه جامعه و به‌ویژه نسل جوان به زندگی تغییر کرده و به سبک زندگی دیگری اعتقاد دارند.



حجت‌الاسلام‌والمسلمین یوسفی در گفت‌وگو با «شرق»:

طبقه مرفه جدید در رانت و فساد ریشه دارند

هنری و… به این ثروت دست یافته‌اند. نکته مهم این است گرچه طبقه‌ای که ثروت انبوهی را بدون کار لازم به دست آورده‌اند دست به چنین کاری می‌زنند، اما باید اضافه کنم رفتارهای آنها در این حد متوقف نمی‌ماند. این جریان از سوی طبقه‌ای شروع می‌شود که ثروتی ناشی از کار و فعالیت مفید اقتصادی به دست نیاورده است.

❧ منظور شما از اینکه گفتید رفتارهای آنها تا این حد باقی نمی‌ماند، چیست؟ یعنی باید منتظر دیدن شکل‌های دیگری از رفتارها در این گروه خاص باشیم؟

به نظر من معمولا شروع مصرف نمایشی از رانت جوییان و تازه‌به‌دوران‌رسیده‌هاست اما پس از مدتی داشتن اتومبیل فلان یا مدل فلان و… تک‌وشلوار با فلان برند و… نشانه شخصیت و وجاهت اجتماعی خواهد بود و در نتیجه ارزش‌گذاری موقعیت اجتماعی بر همین اساس صورت می‌گیرد و در نتیجه گروه‌های دیگر پردرآمد که الزاما مانند گروه‌اول از طریق فعالیت‌های خاص نیز به ثروت نرسیده‌اند بلکه از طریق فعالیت‌های موند نیز کسب درآمد کرده‌اند، برای کسب وجاهت به این سمت خواهند رفت. چنانچه در غرب نیز این سیر قابل مشاهده است. اینها از طریق استفاده از ماشین‌های لوکس، لباس‌های با برند خاص، ویلاهای آنچنانی از گذشته خود فاصله گرفته سعی می‌کنند شخصیت جدیدی از خود به خودشان بیاوراند و در وهله‌دوم تمایز خویش را در ذهن جامعه القا و از این طریق کسب احترام و منزلت اجتماعی کنند. نزدیک‌ترین افراد به این گروه فرزندان و به طور کلی بستگان ثروتمندان فعال اقتصادی و حتی برخی از مقامات می‌توانند باشند. بنابراین بدانیم که در آینده این پدیده در این حد توقف نمی‌کند و سایر گروه‌های پردرآمد نیز به این گروه ملحق خواهند شد.

❧ این طبقه اجتماعی به جز فخرفروشی به احتمال زیاد ویژگی‌های اخلاقی دیگری هم دارد. در مورد آنها توضیح دهید؟

این طبقه فاقد صداقت و همدردی بوده و از خصوصیت یغمکاری برخوردار هستند. نتیجه چشم‌وهمچشمی این است که افراد اگر مطابق آن مصرف کنندند، دچار مشکل روحی می‌شوند زیرا احساس می‌کنند حرمت



لازم را ندارند. چنین منظومه فکری‌ای می‌تواند موجب گسترش احساس فقر و کمبود در جامعه شود. فقیران در پی کسب اعتبار از ثروتمندان پیروی کرده، از الگوهای مصرفی آنان تبعیت می‌کنند. رفتار این طبقه که در ایران به رانت‌خوار تعبیر می‌شوند، دارای ابعاد متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه در کوتاه‌مدت و بلندمدت است. این گروه از افراد فاقد حس همدردی و نوع‌دوستی هستند. آنان در این دنیایی که انبوه انسان‌ها فاقد حداقل امکانات برای تامین نیازهای ضروری خویش هستند و تعداد زیادی از انسان‌ها با مشکلات و بیماری و… دست‌وپنجه نرم می‌کنند و از پس آن برنمی‌آیند، به فکر برندی از لباس هستند که در چشم دیگران بزرگ نشان داده شوند.

❧ پیامدهای اقتصادی گسترش چنین طبقه‌ای با ویژگی‌هایی که گفتید، چیست؟

در بعد اقتصادی نیز سرمایه‌هایی که می‌تواند در مسیر سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و در نتیجه بهبود رشد اقتصادی و کاهش بیکاری در جامعه باشد، به امور غیرمولد و خودخواهانه تخصیص یافته و به گسترش مصرف‌گرایی در جامعه انجامیده و از نظر اجتماعی تخصیص بهینه رخ نمی‌دهد. در یک‌کلام سبک زندگی جامعه تغییر می‌یابد، اما تاثیر فرهنگی آن تنها در این حد متوقف نمی‌شود. اینها پس از مدتی به صورت الگوهای جامعه درآمد، نوع اتومبیل، برند لباس و… در مجلات، سایات‌ها و… نشان داده شده و در نتیجه بر انبوهی از مردم احساس فقر را تحمیل می‌کنند و طبقه متوسط جامعه را دچار احساس فقر و نداری می‌کند تا چه رسد به اقشار پایینی جامعه. این رقابت خسارت‌های زیادی در ابعاد فرهنگی و اقتصادی می‌تواند داشته باشد که از جمله آنان رشد آسیب‌های اجتماعی مانند رشوه، اختلاس، فحشا، قاچاق و… در یک‌کلام به دست‌آوردن ثروت از هرطریق ممکن را نتیجه می‌دهد و در این شرایط سرمایه اجتماعی به‌شدت آسیب می‌بیند و البته دیده است. این پیامدا در ابعاد مختلف خسارت‌های جبران‌ناپذیری به کشور می‌زند. اگر نگاهی کوتاه‌مدت نیز داشته باشیم و این امور را در شرایط تحریم اقتصادی، کمبود، رکود اقتصادی و نیاز کشور به سرمایه‌گذاری و… ملاحظه کرده و به خروج ارز، ضربه به تولید و… نیم‌نگاهی بیاندازیم نیز باید نسبت به این موضوع حساس باشیم. اما نگاه بلندمدت و تغییرات مهم در سبک زندگی از اهمیت فوق‌العاده‌ی برخوردار است و نباید خود را در حد اتفاقات کوتاه‌مدت محصور کنیم.

❧ در اقتصاد به این طبقه اجتماعی چه می‌گویند؟

شرق: علاوه بر طبقه مرفه پیشین، مرفه‌هایی با ویژگی‌های جدید شکل گرفته‌اند که تفریحات ویژه خود را دارند، به رستوران‌های متفاوتی می‌روند و از پاساژهای خاص طبقه خود خرید می‌کنند؛ بی‌آنکه نگران پولی باشند که خرج می‌کنند. این گروه نوپدید، با پیروی از سبک زندگی و الگوی مصرفی متمایز؛ درصددند دیگران را متقاعد کنند که افراد ممتاز و متفاوتی هستند تا به این طریق، منزلت و اعتبار اجتماعی بیشتری کسب کنند. هرچند ریشه‌یابی این طبقه نوظهور، ما را به سالیانی دورتر می‌رساند، اما واقعیت آن است که پس از استقرار دولت احمدی‌نژاد، تعداد افراد این طبقه، افزایشی جهش‌گونه داشته‌اند و دامنه تفریحات و اقدامات به‌رزنه‌یی آنان ابعاد گسترده‌تری یافته است. **حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدرضا یوسفی‌شیخ‌رباط، عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه «مفید» درباره دلایل شکل‌گیری چنین پدیده‌هایی به «شرق» می‌گوید:** «درآمدهای سرشار صادرات نفت و شکل‌گیری «دولت رانتیر»، به موازات ضعف رسانه‌های مستقل منجر به شکل‌گیری اینگونه طبقات می‌شود. از این‌رو، مشاهده این پدیده در کشورهای نفت‌خیز طبیعی است.» **این گفت‌وگو با محور ریشه‌یابی ظهور بزرگ این طبقه در ایران که برخی از آن با عنوان «تازه به دوران رسیده» یا «تن‌آسا» یاد می‌کنند، انجام شده که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:**

❧ برای ورود به بحث، از ریشه تاریخی این طبقه اجتماعی بگویید.
این طبقه در دنیای قبل از انقلاب صنعتی نیز وجود داشت. در جوامع فئودالی و جوامع گذشته نیز با طبقاتی مشابه روبه‌رو هستیم که می‌توان اشکال آن را در مطالعات تاریخی ملاحظه کرد اما نکته مهم این است که تحولات ناشی از انقال صنعتی موجب تغییر اساسی در سبک زندگی شد. یکی از ویژگی‌های این دوران تبدیل جامعه تولیدکننده به جامعه مصرف‌کننده است. در این وضعیت، افراد بر اساس قدرت خرید، انتخاب سبک زندگی و نوع کالای مصرفی، خود را معرفی می‌کنند و از یکدیگر متمایز می‌شوند. تورستن ویلن مصرف نمایشی را به‌مثابه سرمایه‌گذاری برای تمایز، برتری و کسب منزلت اجتماعی می‌داند. وی به این واقعیت اشاره دارد که افراد با در پیش‌گرفتن یک الگوی مصرف خاص، دست به ایجاد تصویری جدید از خود زده و احساس خوبی نسبت به خویشتن پیدا می‌کنند و از این طریق احساس مهم‌بودن و داشتن منزلت را به دیگران انتقال می‌دهند. در واقع آنان با این نوع از مصرف، به دنبال کسب احترام و منزلت اجتماعی هستند. به تعبیری خودنمایی طبقه‌ای موجب کسب منزلت اجتماعی است. تورستن ویلن توضیح می‌دهد این طبقه صرفا به قصد تامین نیاز فیزیکی روانی و به تعبیری برای رفع احتیاج نسبت به داشتن کالایی‌اقدام به خرید آن کالا نمی‌کنند، بلکه آنان از طریق تقاضا برای این کالاها قصد خودنمایی و تفاخر را دارند. از این‌رو مصرف آنان به صورت مصرف نمایشی یا تظاهری تلقی می‌شود. چه‌بسا ثروت نشانه قدرت، فخر و موفقیت در فرهنگ جامعه باشد. در واقع آنان می‌خواهند خود را به رخ جامعه بکشند و از این طریق احساس تمایز و برتری می‌کنند و به همین دلیل هم به مصرف به افراط رو می‌آورند. **❧ چه شد که در آن دوره چنین طبقه‌ای با این سطح درآمدی ایجاد شد؟**
ویلن در تبیین ویژگی اقتصادی این طبقه اینطور می‌گوید در جوامع فئودالی، گروهی به کار مولد و گروهی دیگر به چپاول و غارت دسترنج آنان دست می‌زدند طبقه فئودال با چنگ‌انداختن به نتیجه کار طبقه رعیت برای خود منزلت و اعتبار کسب می‌کرد. بنابراین دونوع کار وجود داشت و در حوزه مصرف نیز دونوع مصرف وجود داشت هدف طبقه رعیت از مصرف کالاها تامین نیازها و احتیاجات ضروری زندگی بود اما طبقه فئودال می‌خواست با مصرف پایگاه اجتماعی و تمایز خود را نشان دهد. از این‌رو مصرف تفاخری را انجام می‌دادند. مصرف فخرفروشانه، گاه توسط فرد فئودال و گاه توسط همسر، فرزندان و بستگان آنان انجام می‌شد.

❧ قطعا بعد از گذشت این همه سال این طبقه با تغییراتی مواجه شده است. در شرایط فعلی کشور این طبقه خاص چه تغییراتی را از سر گذراند؟

در دنیای جدید و پس از تحولات دنیای صنعتی، آن پدیده و روابط به شکل جدیدی بازسازی شده و در ابعاد جدیدی مطرح است زیرا رشد درآمدی دوران جدید در قیاس با دوران قدیم بسیار بالاست و از سوی دیگر به دلیل گسترش امکانات، مصرف نمایشی با هدف کسب اعتبار ابعاد وسیع‌تری یافته است. آنان (این طبقه اجتماعی) دریافتند که فقط داشتن ثروت برای کسب اعتبار کافی نیست، بلکه نمایش آن نیز در این امر مهم است. بنابراین به مصرف فخرفروشانه و استفاده غیرموسولانه از منابع محدود می‌پردازند و از سوی دیگر بر فرهنگ و اقتصاد جامعه نیز آثار تلخی می‌گذارند.

❧ شما به عنوان یک کارشناس اقتصادی دلایل ثروتمندشدن این طبقه را چه می‌دانید؟ سادته‌ر بگویم این طبقه اجتماعی چگونه به چنین ثروتی دست یافته است؟

معمولا ثروت آنها ناشی از کار و فعالیت مفید اقتصادی نیست.

❧ یعنی ثروت آنها با استفاده از رانت و فساد یا موارد دیگر به دست آمده است؟

قطعا فضای رانتی و فساد در تقویت بخشی از این طبقه بسیار موثر بوده است. برای توضیح بیشتر می‌توان گفت بخشی از افراد متعلق به این طبقه از رانت‌خواری به این ثروت رسیده‌اند و برخی نیز که از طبقات پایین اجتماع بوده و در مدت کوتاهی به دلایلی مانند موفقیت در برخی رشته‌های ورزشی،